

## بررسی دیدگاه باطنی در مورد فعل ساده و فعل مرکب در زبان فارسی

مجید دادفر\* - حمیدرضا سلمانی\*\*

### چکیده

گروهی از دستوریان و زبان‌شناسان براین باورند که فعل مرکب در زبان فارسی وجود ندارد. گروهی دیگر وجود آن را بدیهی دانسته و در مورد گونه‌های آن و شیوه‌های تشخیص آن بحث می‌کنند. بحث‌هایی نیز در مورد اینکه استفاده از کدام یک از این گونه‌های فعلی بهتر است، صورت می‌گیرد. هر کدام از این صاحب نظران دلائل و بیرون خود را اقامه می‌کنند. یکی از دیدگاه‌های شاخص در این زمینه، آرای محمدرضا باطنی است که در این مقاله به طور مشخص به بحث و بررسی در مورد آن خواهیم پرداخت.

در این نوشتار، ابتدا به معرفی خلاصه دیدگاه‌های مربوط پرداخته شده است. سپس در مورد اینکه آیا استفاده از فعل ساده در برابر یک ضرورت زبانی است یا مانعی در برابر جریان طبیعی زبان، گفتگو شده و تفاوت‌های معنایی افعال ساده و مرکب نیز با مثال مورد بحث قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد کاربرد گونه ساده افعال موجب برجسته‌سازی زبان شده و در نهایت منجر به آشنایی‌زدایی می‌شود. بر این اساس کارکرد این دو گونه فعل، ساختار آنها و نیز معنایشان با هم متفاوت است و نمی‌توان یکی را به عنوان جایگزین گونه دیگر تلقی کرد.

**کلیدواژه:** محمدرضا باطنی، فعل مرکب، فعل ساده، دستور زبان، برجسته سازی، آشنایی‌زدایی

\* دانشجوی دکتری دانشگاه چمران اهواز

\*\* کارشناس ارشد ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبائی، عهده‌دار مکاتبات Hr.salmani@gmail.com

تاریخ وصول: ۹۰/۶/۱۵ - پذیرش نهایی: ۹۱/۳/۴



## ۱ - مقدمه

دستوریان و زبان‌شناسان درباره فعل مرکب نظرات گوناگونی دارند؛ برخی از آنها با مسلم دانستن وجود آن در زبان فارسی به تعریف آن پرداخته‌اند؛ برخی دیگر در وجود چنین پدیده‌ای در زبان فارسی تردید کرده‌اند؛ و گروهی دیگر علاوه بر تعریف فعل مرکب، آن را دارای انواعی دانسته‌اند. موضوع این مقاله بررسی بود یا نبود چنین مقوله‌ای در زبان فارسی و نقد و بررسی تعاریف و استدلال‌ات ارائه شده نیست. بلکه بحث ترجیح یا عدم کاربرد افعال ساده در برابر فعل مرکب مورد نظر است. این موضوع منطقی‌اً شامل دسته‌ای از فعل‌هاست که هر دو گونه‌ی مرکب و ساده آنها در زبان وجود دارد. بنابراین نخست تلاش شده است که به کوتاهی تعاریفی که درباره فعل مرکب بیان شده، مورد بررسی قرار گیرد تا از این رهگذر استنباط دقیق‌تری درباره این مقوله دستوری داشته باشیم. پس از آن به طور مشخص به نقد و بررسی آرای یکی از زبان‌شناسان معاصر درباره‌ی فعل مرکب و جایگاه آن در زبان فارسی امروز پرداخته می‌شود.

## ۲ - پیشینه‌ی پژوهش

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، دیدگاه‌های گوناگونی درباره مقوله دستوری «فعل مرکب» وجود دارد. پژوهشگران، هر کدام دیدگاه خاصی درباره این مقوله زبانی داشته‌اند که بخشی از مهم‌ترین نظرات در این مورد به شرح زیر است:

پرویز ناتل خانلری در تعریف فعل مرکب گفته است: «اصطلاح فعل مرکب را به افعالی اطلاق می‌کنیم که از دو کلمه مستقل ترکیب یافته‌اند. کلمه‌ی اول اسم یا صفت است و تغییر نمی‌پذیرد، یعنی صرف نمی‌شود. کلمه دوم فعلی است که صرف می‌شود و آن را هم‌کرد می‌خوانیم» (دستور تاریخی زبان فارسی/۴۸). وی در ادامه، راهی را برای تشخیص فعل مرکب از فعل ساده پیشنهاد می‌دهد: «اطلاق فعل مرکب به این گونه کلمات از آن جهت است که از مجموع آنها معنی واحدی دریافته می‌شود. هرگاه دو کلمه از این انواع که ذکر شد دو معنی را به ذهن القا کند، یعنی هریک از اجزا معنی مستقل و اصلی خود را حفظ کرده باشند اطلاق اصطلاح فعل

مرکب به آنها درست نیست» (همان/۴۹)؛ البته باید گفت نقدهایی بر آرای او از طرف برخی از زبانشناسان وارد شده است و درستی گزاره‌های وی در این باره محل تشکیک است. (برای اطلاع بیشتر، رک. پژوهش‌های زبان شناختی فارسی/۱۶۴).

مهدی مشکوة‌الدینی ضمن تقسیم‌بندی فعل اصلی (واژگانی) در زبان فارسی از لحاظ عناصر سازنده آن به سه دسته «ساده»، «پیشونددار»، و «فعل مرکب»، درباره فعل مرکب می‌نویسد: «فعل مرکب از دو سازه نحوی تشکیل می‌شود: پایه و عنصر فعلی» (دستور زبان فارسی برپایه‌ی نظریه‌ی گشتاری/۱۳۸). وی در ادامه، فعل‌هایی چون: صلح کرده‌اند، فریب خورده است، کار می‌کرد، دوست داشت و... را به عنوان نمونه‌هایی از فعل مرکب نقل می‌کند و یادآور می‌شود که «از لحاظ تجزیه‌ی رو ساختی، ترکیب نحوی گروه اسمی + فعل متعدی نیز با فعل مرکب مشابه است؛ مانند نمونه‌های: پیراهن می‌دوزد، کتاب خواندم، کاغذ خریده است، خانه بزرگی ساخته‌اند» (همان/۱۳۹). وی برای تمییز این دو از هم، پیشنهاد می‌دهد که: «ملاک بسیار ساده‌ای برای تشخیص فعل مرکب از ترکیب نحوی یاد شده در بالا این است که اگر گروه اسمی از ترکیب نحوی بالا حذف شود، فعل باقی مانده باز هم همان معنی اصلی در ترکیب نحوی را دارا خواهد بود. به این معنی که مثلاً فعل‌های می‌دوزد، خواندم، می‌خرید، و ساخته‌اند، به تنهایی نیز به معنی واژگانی خود اشاره می‌کنند؛ در حالی که برعکس، اگر پایه از فعل مرکب حذف شود، عنصر فعلی باقی مانده معنی خاصی را که در فعل مرکب داراست دیگر در بر نخواهد داشت» (همان).

خسرو فرشیدورد در تعریف فعل مرکب در تقابل با فعل ساده می‌گوید: «فعل بسیط به آن می‌گوییم که مصدرش از یک کلمه ساخته شده باشد (اگر چه هر مصدری مطابق تعریف اشتقاق مشتق است) مانند آمدن، شنیدن، دویدن؛ و فعل مرکب آن را می‌دانیم که مصدرش با صفت یا قید یا اسم یا کلمه‌ای دیگر ترکیب شده باشد؛ مانند پاک کردن، دیرآمدن، غذاخوردن» (دستور امروز/۱۲۹). او سپس یادآور می‌شود «البته تشخیص فعل مرکب از گروه فعلی بسیار مشکل است؛ زیرا اجزای بسیاری از فعل‌های مرکب را می‌توان به وسیله صفت یا وابسته‌های دیگر از جزء دیگر آن جدا کرد: مانند غذای گرم خوردن، غذای خانگی خوردن» (همان).

محمد رضا باطنی دربارهٔ فعل‌های مرکب در زبان فارسی دیدگاه‌های متفاوتی دارد. نظرات او در این باب به دو دستهٔ توصیفی و تجویزی تقسیم می‌شود. در دیدگاه توصیفی او نیز به‌مانند دیگر کسان به تعریف و توصیف پدیده‌ای به نام فعل مرکب می‌پردازد: «یکی از خصوصیات زبان فارسی داشتن فعل‌های متعدّد ترکیبی است که معمولاً از یک اسم یا صفت یا عنصر دیگری به‌اضافهٔ فعل ساخته می‌شود» (توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی/ ۷۸ و ۷۹). وی در ادامه می‌نویسد: «افعال ترکیبی فارسی از نظر معنی یک واحد هستند ولی از نظر ساختمان دستوری دو جزء هستند و دارای دو نوع رفتار متفاوت می‌باشند» (همان). باطنی سپس در همانجا به مسئله‌ای اشاره می‌کند که اساس تجویزاتش در ترجیح کاربرد فعل ساده در برابر فعل مرکب در مقالهٔ «فارسی زبانی عقیم» شکل داده است. او بر آن است که زبان فارسی، از فعل مرکب بسیار استفاده می‌کند، به‌گونه‌ای که برای ساختن فعل‌های تازه به ندرت از صرف مستقیم کلمه استفاده می‌شود و به جای آن بیشتر فعل‌های ترکیبی به کار می‌روند. به عقیدهٔ ایشان در زبان فارسی برای ساختن فعل از واژه‌های فرنگی نیز از همین الگو استفاده می‌شود. تفصیل سخنان باطنی در ادامه و در قسمت نقد آرای او خواهد آمد.

حسن احمدی گیوی در دستور تاریخی فعل (بخش سوم - فعل‌های همکرد) در تعریف فعل همکرد می‌نویسد: «فعل همکرد که آن را معین و فعل معین نیز نامیده‌اند، فعلی است که در ترکیب با اسم یا صفت و به ندرت کلمهٔ دیگر، معنی اصلی خود را از دست می‌دهد و یا معنی ثانویه پیدا می‌کند و یا تنها به عنوان جزء صرفی به کار می‌رود و از مجموع ترکیب، فعل مرکب پدید می‌آید» (دستور تاریخی فعل / ۲/ ۱۲۰۸). او در همانجا عنصر غیر فعلی را که از ترکیب آن با همکرد، فعل مرکب پدید می‌آید، - از قول فرشیدورد - "فعلیار" می‌نامد و سپس مانند دیگر دستورنویسان، همکردهای متداول زبان فارسی را برمی‌شمرد. (برای اطلاع از تحقیقات و نظرات دیگر، ر.ک. پژوهش‌های زبان شناختی فارسی / ۱۵۴ و ۱۵۵)

محمد دبیرمقدم نیز در مقاله‌ای مفصل و جامع، تلاش کرده است به موضوع بود یا نبود فعل مرکب، انواع آن و نقد و بررسی نظرات دیگران دربارهٔ این مقوله بپردازد. او نخست به تعریف فعل مرکب در مقدمه مقاله می‌پردازد و فعل مرکب را

این گونه تعریف می‌کند: «فعل مرکب به فعلی اطلاق می‌شود که ساختمان واژی آن بسیط نیست بلکه از پیوند یک سازه غیر فعلی چون اسم، صفت، اسم مفعول، گروه حرف اضافه‌ای، یا قید با یک سازه فعلی تشکیل شده است» (همان/۱۵۰). وی سپس وجود فعل مرکب را در دیگر زبان‌های دنیا بررسی می‌کند و پس از آن به طرح و نقد آرای ارائه شده درباره فعل مرکب در زبان فارسی می‌پردازد و وجود آن را بدیهی می‌داند و در ادامه، تحلیل تازه‌ای از نظام فعل مرکب در زبان فارسی ارائه می‌کند که بر اساس آن، مشخص می‌شود که برای تشکیل فعل مرکب در زبان فارسی دو فرآیند عمده وجود دارد: "ترکیب" و "انضمام".

دبیرمقدم در ادامه، دو فرآیند یاد شده را توضیح می‌دهد و پس از آن به چهار تفاوت عمده بین افعال مرکب ترکیبی و انضمامی اشاره می‌کند که از نظر او توجیه‌گر تقسیم‌بندی افعال مرکب به مجموعه افعال انضمامی و افعال ترکیبی است (ر.ک. همان/مقاله «فعل مرکب»).

### ۳- فعل ساده یا مرکب؟

باطنی در مقاله‌ی «فارسی زبانی عقیم»<sup>۱</sup> به نقد و بررسی کارایی و زیایی زبان فارسی می‌پردازد و بر آن است که زبان فارسی - به صورت کنونی - نمی‌تواند نیازهای گوناگون گویسورانش را برآورده کند. وی در این مقاله برای برون‌رفت از این ناکارآمدی، راه‌حلهایی ارائه می‌دهد که یکی از آنها ترجیح کاربرد فعل ساده در برابر فعل مرکب در آن دسته از فعل‌هایی است که گونه‌ی ساده و مرکب آنها، هر دو، در زبان وجود دارد. وی از دیگر سو معتقد است که: برای ساختن فعل از واژه‌های فرنگی می‌توانیم خود آن واژه را به طور مستقیم صرف کنیم، و تا می‌توانیم بایستی از ساختن فعل‌های مرکب با فعل همکرد خودداری کنیم.

۱- به دلیل این که، این مقاله سال‌ها پیش منتشر شده و دسترسی به متن مقاله امکان‌پذیر نشد، به ناچار از متن منتشر شده این مقاله در "سایت زبان‌شناسی ایران" (ر.ک. فهرست منابع) استفاده شد. براین اساس امکان ارجاع به صفحات مقاله - چنانکه مرسوم است - وجود نخواهد داشت، بنابراین در هنگام ارجاع به مقاله‌ی مورد نظر، تنها از الگوی «باطنی/فارسی، زبانی عقیم» بهره برده شده است. هر چند طبق توضیحی که در سایت زبان‌شناسی ایران آمده، این مقاله نسبت به اصل، اندکی تلخیص شده است.

ما در ادامه می‌کوشیم دلایل ارائه شده توسط باطنی را برای ترجیح چنین کاربردی بیان کنیم و سپس به نقد و بررسی این دیدگاه پردازیم.

### ۱-۳- طرح مسئله

نخست باید اشاره کرد که دو رویکرد عمده در برابر زبان فارسی وجود دارد که نباید آنها را یکی دانست. یکی رویکرد «سره‌گرایی» است که در آن تلاش می‌شود از کاربرد واژگان بیگانه در زبان فارسی پرهیز شود؛ رویکرد دیگر «علمی‌کردن زبان فارسی برای پاسخ‌گویی به نیازهای روز گویشوران آن» است، در این رویکرد تلاش می‌شود از توانمندی‌های بالقوه زبان فارسی برای برآوردن نیازهای روز جامعه علمی فارسی‌زبان استفاده شود.

باطنی در مقاله «فارسی، زبانی عقیم» به آسیب‌شناسی زبان فارسی - برای آنچه علمی شدن زبان فارسی می‌نامد - پرداخته است. در مقاله یاد شده از همه ظرفیت‌های زبان فارسی در راه تحقق این هدف، بحث به میان نیامده؛ بلکه تنها به بحث "خلاقیت یا زایایی در واژگان زبان" بسنده شده است. وی درباره‌ی اهمیت زایایی واژگانی می‌نویسد: «زایایی واژگانی به اهل زبان امکان می‌دهد تا همراه با تغییراتی که در جامعه آنها رخ می‌دهد واژه‌های تازه بسازند و کارایی زبان خود را با نیازمندی‌های خود متناسب گردانند» (فارسی، زبانی عقیم). هم‌او در ادامه توضیح می‌دهد که از نظر زبانشناختی، زایایی واژگانی به مبحث اشتقاق یا واژه‌سازی مربوط می‌شود و سپس در تعریف اشتقاق می‌آورد: «اشتقاق یعنی اینکه ما بتوانیم از اسم یا صفت فعل بسازیم. از فعل اسم یا صفت بسازیم و مانند آن» (همان). سپس از میان تغییرات اشتقاقی گوناگون، گذر از مقوله اسم یا صفت به مقوله فعل را از همه مهم‌تر می‌داند و در واقع آن را اساس کار مقاله خود قرار می‌دهد.

باطنی نخست توضیح می‌دهد که در زبان فارسی امروز، گرایش به استفاده از فعل‌های مرکب بیشتر است و استفاده از فعل‌های ساده و یا کاربرد آنها در ساخت واژگان تازه رو به فراموشی است. او از چنین روندی به‌ویژه در ساخت واژگان علمی ابراز نگرانی می‌کند و دلایل خود را برای این نگرانی اینگونه بر می‌شمارد:



۱- در زبان فارسی فقط فعل‌های ساده یا بسیط هستند که زایایی دارند، یعنی می‌توان از آنها مشتق به دست آورد.

۲- شمار فعل‌های ساده‌ای که زایایی دارند و از گذشته به ما رسیده‌اند بسیار اندک است.

۳- از این شمار اندک نیز بسیاری در حال از بین رفتن و متروک شدن هستند و جای خود را به فعل‌های مرکب می‌دهند؛ ولی فعل‌های مرکب عقیم هستند و نمی‌توان از آنها مشتق به دست آورد.

۴- در زبان فارسی امروز، دیگر فعل ساده ساخته نمی‌شود. یعنی نمی‌توان به طور عادی از اسم یا صفت فعل ساخت و...

وی در پایان این بخش از مقاله نتیجه می‌گیرد که زبان فارسی در وضع فعلی برای برآوردن نیازهای روزمره مردم با مشکلی مواجه نیست؛ ولی برای واژه‌سازی علمی از زایایی لازم بر خوردار نیست و نمی‌تواند یک زبان علمی باشد(همان).

نویسنده در ادامه مقاله، برای گزاره‌های ۱ تا ۴ که در بالا مطرح شد دلایل و شواهد زبانی ارائه می‌کند و در پایان، راه برون‌رفت از این مشکل را در دو فرآیند زیر می‌داند:

۱- ساخت فعل از اسم یا مصدر (چه اسم و مصدر فارسی؛ چه بیگانه) که آن را فعل‌های تبدیلی می‌نامند.

۲- ساخت واژگان تازه بر اساس قیاس (مانند ساخت «نوشتار» بر قیاس «گفتار»).

پیش از ورود به بحث نقد دیدگاه‌های باطنی، باید به یک تعارض در گزاره‌های این مقاله اشاره کرد. نویسنده یکی از معایب استفاده از فعل‌های مرکب به جای فعل‌های ساده را عقیم بودن فعل‌های مرکب در فرآیند واژه‌سازی می‌داند و بر آن است که فعل‌های مرکب در فرآیند واژه‌سازی زایایی ندارند(همان). او در جایی دیگر یادآور می‌شود که مصدرهای جعلی - فعل‌های ساخته شده از اسم یا مصدر که او آنها را فعل‌های تبدیلی می‌نامد- نیز در ساختن واژه‌های تازه نازا هستند(همان)؛ اما در پایان، یکی از راه‌های علمی کردن زبان فارسی را استفاده از فعل‌های تبدیلی(جعلی) می‌داند(همان) که از نظر ما با استدلالات پیشین متعارض است؛ چرا که ما در صورت

پذیرش این رویکرد، باز هم در راهی گام بر می‌داریم که زبان فارسی را به سوی عقیم بودن سوق می‌دهد؛ بنابراین این پرسش پیش می‌آید که زمانی که فعل مرکب و فعل تبدیلی، هر دو در واژه‌سازی عقیم هستند و این امر مانعی بر سر راه علمی شدن زبان است، پس چرا باید استفاده از فعل تبدیلی را بر فعل مرکب ترجیح داد؟ هرچند می‌توان دلایل دیگری را برای این ترجیح ارائه کرد؛ اما هدف از این یادآوری تنها نشان دادن تعارض در استدلال ارائه شده در آغاز و پیشنهاد پایان مقاله بود.

### ۲-۳- بحث و بررسی

در دیدگاه‌های باطنی، در مورد ساخت فعل مرکب و تفاوت آن با نوع ساده، با دو مسئله روبرو هستیم:

۱- ساخت واژه‌های تازه‌ی علمی از اسم یا مصدر زبان مبدأ (مانند: «یون» + پسوند فعل ساز «یدن» = «یونیدن»).

۲- ترجیح یا عدم ترجیح کاربرد فعل ساده در برابر فعل مرکب در آن دسته از فعل‌هایی که هم، گونه ساده‌ی آنها در زبان وجود دارد و هم، گونه مرکب آنها.

در مورد نخست باید گفت که دلایل باطنی در تجویز روی آوردن به چنین کاربردی معقول به نظر می‌رسد. او در ابتدا خاطر نشان می‌کند که این فرآیند در بیشتر زبان‌های زنده‌ی دنیا وجود دارد و پس از آن با آوردن شواهدی از متون گذشته، نشان می‌دهد که این فرآیند بدعتی در زبان فارسی نیست و در آثار گذشتگان ما نمونه‌هایی دارد (مانند بوسیدن، دزدیدن، طلبیدن، غارتیدن، رقصیدن، فهمیدن و...).

اما در مورد دوم، نظرات باطنی بیشتر از گونه‌ی توصیفی است تا تجویزی و می‌توان گفت که او تنها به صورت ضمنی به ترجیح کاربرد فعل ساده در برابر فعل مرکب حکم داده است. او نخست به توصیف زبان فارسی امروز می‌پردازد و نشان می‌دهد که زبان فارسی امروز بیشتر به ساخت فعل‌های مرکب گرایش دارد تا فعل‌های ساده. این گرایش به حدی است که حتی در برابر آن دسته از اندک فعل‌های ساده‌ای که از گذشته برای ما باقی مانده، فعل‌هایی مرکب داریم. او در ادامه توضیح می‌دهد که فعل‌های مرکب در فرآیند واژه‌سازی عقیم‌اند، اما از فعل‌های ساده می-





توان واژه‌های تازه‌ای ساخت که به زایایی زبان کمک می‌کند. بنابراین همان‌گونه که گفتیم می‌توان استنباط کرد که باطنی - به طور ضمنی - به ترجیح کاربرد فعل ساده در برابر فعل مرکب - در آن دسته از فعل‌هایی که هم‌گونه ساده‌ی آنها در زبان فارسی وجود دارد و هم‌گونه مرکب آنها - حکم داده است. در این باره باید به چند نکته توجه کرد:

اگر زایایی فعل‌های ساده و به تبع آن عقیم بودن فعل‌های مرکب را به عنوان دلیل این ترجیح بپذیریم، می‌توان این ترجیح را معقول دانست؛ اما باید توجه داشت که آیا این ترجیح به معنای حذف تجویزی فعل مرکبی است که ما در برابر آن فعل ساده داریم؟ اگر منظور ما از ترجیح این باشد، به دلایلی که خواهد آمد این ترجیح معقول نیست.

چنان که برخی از زبان‌شناسان معتقدند، میان فعل ساده و فعل مرکب در این موارد اختلاف معنا وجود دارد. محمد دبیرمقدم در بارهٔ افعالی از گونهٔ شتاب کردن (= شتافتن)، آرایش کردن (= آراستن) و... می‌گوید: «به استنباط این نگارنده هم‌کرد کردن، تنها وظیفهٔ جزء صرفی ندارد بلکه بار معنایی نیز دارد و آن عبارت است از انجام دادن کنش، کنش کلی» (پژوهش‌های زبان شناختی فارسی/۱۶۴)؛ بنابراین طبیعی است که نمی‌توان - در صورت پذیرش اختلاف معنا در این دو گونه فعل - حذف گونهٔ مرکب آن را تجویز کرد. البته باطنی به حذف گونهٔ مرکب از زبان، حکم نداده است، اما به هر روی تجویز استفاده از گونهٔ ساده می‌تواند منجر به حذف گونهٔ مرکب این افعال شود؛ بنابراین باید تمام جنبه‌های چنین کاربردی را در نظر گرفت. از دیگر سو باید توجه داشت که اغلب فعل‌های ساده که امروزه در برابر آنها فعل مرکبی داریم، گونه‌ای برجستگی تاریخی - ادبی دارند و به همین دلیل کاربرد آنها در بافت زبان امروز باعث می‌شود کلام، برجسته شده و از زبان معیار امروزی فاصله بگیرد. نمونه‌های (۱) تا (۳) این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد:

۱- منیژه خودش را آرایش کرد.

منیژه خودش را آراست.

۲- نیما برادرش را فریب داد.

نیما برادرش را فریفت.

۳- آرش موضوع پایان نامه‌اش را بررسی کرد.

آرش موضوع پایان نامه‌اش را بررسی کرد.

در صورت‌های دوّم نمونه‌های ذکر شده، به اصطلاح فرمالیست‌ها با هنجارگریزی روبرو هستیم. یعنی استفاده از فعل‌های ساده، گونه‌ای هنجارگریزی واژگانی یا آرکائیسم (Archaism) ایجاد کرده که موجب می‌شود زبان معیار به سوی زبان ادب حرکت کند. با مقایسه صورت‌های اوّل و دوّم در هر یک از نمونه‌های بالا، می‌توان تفاوت معنایی افعال را در گونه ساده و مرکب مشاهده کرد. در همه این نمونه‌ها، هر چند محتوا و پیام مورد نظر تغییری نکرده است، اما کاررفت گونه ساده هر یک از افعال، سبب برجسته‌سازی (Foregrounding) در زبان معیار شده و نهایتاً منجر به مکث در روانی (DE-Automatization) آن می‌شود. این فرآیند به نوبه خود در انحراف زبان معیار به سمت زبان ادبی در نمونه‌های یاد شده مؤثر است.

بنابراین می‌توان گفت که در واقع ما به هر دو نوع فعل (ساده و مرکب) برای کاربرد در بافت‌های گوناگون نیاز داریم و نمی‌توان کاربرد یکی و ترک دیگری را تجویز کرد. زیرا این دو در واقع جزء توانش‌های زبانی هستند برای استفاده در بافت‌های متفاوت برای القای فرم‌های زبانی متفاوت.

#### ۴- دلایل استفاده از فعل ساده

همان گونه که اشاره شد باطنی، اصلی‌ترین دلیل در کاربرد افعال ساده را حفظ و کاربرد این فعل‌ها برای گرفتن اشتقاق‌های گوناگون از جزء فعلی این افعال، به منظور ساخت واژگان تازه و مورد نیاز و در نتیجه زیایی زبان فارسی می‌داند. زیرا گونه مرکب آنها فاقد زیایی بوده و از آن نمی‌توان در ساخت واژه‌های تازه بهره برد؛ اما در کنار این دلیل می‌توان به دلایل دیگری اشاره کرد که باطنی به آنها اشاره نکرده است.



یکی اینکه استفاده از فعل‌های ساده نسبت به کاربرد گونهٔ مرکب آنها آسان‌تر است؛ یعنی با استفاده از واژگان کمتر می‌توان پیام خود را به مخاطب رساند. همان بحثی که در زبان‌شناسی، آن را اقتصاد زبانی (Economy of language) می‌نامند. دلیل دیگر که مورد تأکید این پژوهش می‌باشد آن است که؛ در همهٔ زبان-هایی که از فعل‌های مرکب استفاده می‌کنند، فعل‌های مرکب با تعداد معدودی هم‌کرد (جزء تصریفی فعل مرکب) ساخته می‌شوند. نتیجهٔ آماری ذیل که برگرفته از مقالهٔ دکتر باطنی است، این موضوع را تأیید می‌کند:

«در این پژوهش، تقریباً سه هزار فعل مرکب به دست آمد که از این تعداد، ۱۰۵۶ فعل آن با "کردن" ساخته شده‌اند؛ مانند: آزمایش کردن، گود کردن، نامزد کردن و غیره» (باطنی، فارسی، زبانی عقیم). در کل، همکردهایی که از آنها در ساخت فعل مرکب استفاده می‌شود بسیار محدودند و این محدودیت باعث می‌شود که در استفاده از آنها در یک متن، با یکنواختی و تکرار در کاربرد این افعال مواجه شویم. به مثال زیر توجه کنید:

من دربارهٔ موضوع پایان نامه‌ام کتابهای زیادی را مطالعه کردم، و کوشش کردم مطالب آن را بررسی کنم و در پایان نتیجه‌گیری کردم که این موضوع قابل بررسی کردن نیست.

در نمونهٔ فوق از فعل‌های مرکبی استفاده شده است که با همکرد «کردن» ساخته شده‌اند؛ همان‌گونه که دیده می‌شود تکرار همکرد «کردن» باعث شده که متن از تنوع فعلی برخوردار نباشد. امروزه برای حل چنین مشکلی معمولاً دو کار صورت می‌گیرد: یا برخی از همکردها را به قرینهٔ دیگر همکردها حذف می‌کنند (که در اغلب موارد باعث ابهام در جمله‌ها و اختلال در فهم مطلب می‌شود) یا از همکردهای دیگری برای ساخت این فعل‌ها استفاده می‌کنند که البته تعداد آنها هم محدود است و همان مشکل را به همراه دارد؛ مانند «نمودن» به جای «کردن» (که در درستی و نادرستی این کاربرد هم مورد بحث است و عده‌ای آن را درست نمی‌دانند).

اما به نظر می‌رسد استفاده از فعل‌های ساده این مشکل را تا حدود زیادی حل خواهد کرد؛ نمونهٔ ذیل، همان نمونهٔ مذکور بالا است که با افعال ساده به کار رفته است:



من درباره‌ی موضوع پایان‌نامه‌ام کتاب‌های زیادی خواندم، و کوشیدم مطالب آن را بر رسم (یا: بررسی کنم) و در پایان نتیجه‌گیری کردم (یا: نتیجه گرفتم) که این موضوع قابل بررسی نیست.

در نمونه‌ی اخیر از دو فرآیند "تبدیل فعل" و "حذف همکرد" هم استفاده شده است: (مطالعه کردن: خواندن؛ بررسی کردن: بررسییدن) و بنابراین تنوع فعل را در ساختار جمله بوجود آورده است. این موضوع می‌تواند در مورد برخی دیگر از فعل‌های مرکب که گونه‌ی ساده آنها وجود ندارد هم صادق باشد و می‌توان با ساختن فعل‌های تبدیلی، به تکرار و یکنواختی در کاربرد "همکرد" پایان داد.

### ۵- نتیجه‌گیری

در کنار دیدگاه‌های گوناگونی که مورد فعل مرکب و تقسیم‌بندی آن انجام شده، بحث مهم دیگری نیز وجود دارد و آن ترجیح استفاده از گونه‌ی ساده یا مرکب افعال است. استفاده از افعال ساده، مزایای گوناگونی دارد که از آن جمله می‌توان: تأثیر مثبت در زیبایی زبان و ایجاد افعال جدید و نیز جلوگیری از تکرار همکرد را نام برد. البته باید توجه داشت که استفاده از گونه‌ی ساده افعال، نباید به معنای تجویز در حذف گونه‌های مرکب آن افعال باشد؛ چرا که بررسی نمونه‌های زبانی نشان می‌دهد که هر کدام از این دو گونه کارکرد متفاوتی دارند و نمی‌توان در همه‌ی مواضع آن‌ها را جایگزین هم کرد. از جمله مهم‌ترین تفاوت‌ها این است که استفاده از گونه‌ی ساده افعال موجب برجسته‌سازی زبان و مکتب در روانی آن می‌شود که در نهایت می‌تواند منجر به فاصله گرفتن زبان از هنجارهای زبان معیار شود.

در پایان باید به این نکته بدیهی نیز اشاره کرد که قصد ما مدیریت زبان و یا پاک‌سازی آن از سهو و خطا و یا تجویز در کاربرد آن توسط گویشوران نیست؛ زیرا زبان پدیده‌ای پویا و خودزاست. قصد ما تنها بررسی ابعاد دیدگاه مطرح شده توسط یک زبان‌شناس بود و پرداختن به مواردی که به زعم ما می‌توانست در این نظریه پردازی لحاظ شود.



## منابع

- احمدی گیوی، حسن، *دستور تاریخی فعل*، جلد دوم، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۰.
- باطنی، محمدرضا، *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱.
- \_\_\_\_\_، *فارسی، زبانی عقیم*، سایت زبان‌شناسی ایران، ۱۵ تیر ۱۳۹۰، [WWW.lingosta.com/56](http://WWW.lingosta.com/56).
- دبیرمقدم، محمد، *پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی* (مجموعه مقالات)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۴.
- فرشیدورد، خسرو، *دستور امروز*، بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه، ۱۳۴۸.
- مشکوه‌الدینی، مهدی، *دستور زبان فارسی برپایه‌ی نظریه‌ی گشتتاری*، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۰.
- نائل خانلری، پرویز، *دستور تاریخی زبان فارسی*، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۲.



